جابه‌جایی جریان‌های غیرقانونی از نظام بانکی به بازار طلا: ریسک پولشویی



محمد راستی
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی



سعیده هوشمندگهر
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مقدمه

در دو دهه اخیر، سخت‌گیری‌های نظارتی در نظام بانکی بین‌المللی موجب شده است تا شبکه‌های مجرمانه برای تطهیر عواید غیرقانونی، از کانال‌های رسمی به سمت بازارهای موازی و کم‌نظارت‌تر حرکت کنند. در این میان، طلا به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فردی چون ارزش واحد بالا، نقدشوندگی جهانی، قابلیت حمل آسان و به‌ویژه هویت‌گریزی (قابلیت ذوب و تغییر شکل بدون ردپای فیزیکی)، به جذاب‌ترین ابزار برای پولشویی، تأمین مالی تروریسم و خروج سازمان‌یافته سرمایه تبدیل شده است. در ساختار نوین اقتصاد جهانی، طلا دیگر تنها یک کالای زینتی یا ابزار ذخیره ارزش نیست؛ بلکه به‌عنوان یک «ارز بدون مرز» عمل می‌کند. در حالی که نظام بانکی با استانداردهای سخت‌گیرانه «گروه ویژه اقدام مالی» و سامانه پادمان‌های مالی محصور شده است، بازار طلا به دلیل ماهیت فیزیکی و قابلیت تغییر شکل، به پناهگاهی برای جریان‌های مالی تاریک تبدیل شده است. این مقاله به واکاوی این موضوع می‌پردازد که چگونه طلا از مرحله استخراج تا ویترین گالری‌ها، می‌تواند به چرخه تطهیر پول خدمت کند.

۱. تحلیل ساختاری مراحل پولشویی در زنجیره ارزش طلا

عملیات مجرمانه در این بازار بر اساس استانداردهای جهانی چارچوب‌های ضدپولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سه مرحله کلیدی صورت می‌گیرد:

الف) مرحله جایگذاری: ورود پول کثیف (حاصل از قاچاق یا فساد) به چرخه رسمی از طریق خریدهای نقدی سنگین، به‌ویژه در بازار طلای آب‌شده و مصنوعات دست‌دوم که نظارت کمتری بر آن‌ها اعمال می‌شود.

ب) مرحله الایه‌گذاری: ایجاد پیچیدگی‌های تعمدی برای قطع ارتباط وجوه با جرم منشأ. این کار از طریق ذوب مکرر طلا، صادرات و واردات صوری، و استفاده از شرکت‌های پوششی یا فاکتورهای غیرواقعی انجام می‌شود.

ج) مرحله ادغام: بازگرداندن ارزش شسته‌شده به اقتصاد در قالب دارایی‌های مشروع؛ نظیر تبدیل طلا به شمش‌های استاندارد، وثیقه‌گذاری در بانک‌ها یا خرید املاک و سهام.

۲. علائم خطر در حوزه طلا و فلزات گرانبها

علائم خطر مجموعه‌ای از نشانه‌های رفتاری، مالی، تجاری و فیزیکی هستند که به مؤسسات مالی، دلالان فلزات گرانبها و نهادهای غیربانکی، مشاغل و حرفه‌های غیرمالی معین هشدار می‌دهند که یک تراکنش ممکن است مشکوک بوده و نیازمند بررسی بیشتر یا گزارش‌دهی به مرکز اطلاعات مالی باشد. این شاخص‌ها، که از شواهد داخلی و بین‌المللی استخراج شده‌اند، در چهار دسته اصلی قابل طبقه‌بندی‌اند؛ جدول (۱) دسته‌بندی علائم خطر در معاملات طلا را نشان می‌دهد:

جدول ۱- علائم خطر در معاملات طلا

دسته‌بندی شاخص‌ها	نمونه‌های کلیدی
رفتاری و تجاری	فعالیت غیرعادی در رکود بازار، عدم تمایل به ارائه اسناد و اطلاعات هویتی
مالی و پرداخت	پرداخت‌های نقدی بزرگ و مکرر زیر آستانه، استفاده از حساب‌های شخص ثالث
فیزیکی و جغرافیایی	ذوب و بازسازی مکرر، تجارت با حوزه‌های قضایی پرخطر یا فاقد سابقه استخراج
مرتبط با پولشویی مبتنی بر تجارت	فاکتورنویسی بیش از حد/کمتر از حد، عدم تطابق در اظهارنامه‌های گمرکی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

براساس جدول بالا، برای مقابله هوشمند، شناسایی نشانه‌های رفتاری و مالی ضروری است. مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از:

۲-۱. شاخص‌های رفتاری و تجاری

- **فعالیت غیرعادی:** افزایش ناگهانی و غیرمتعارف حجم معاملات واحدهای صنفی طلای آب‌شده یا دلالان فلزات گرانبها در شرایط رکود بازار یا بدون سابقه فعالیت مرتبط.
- **تغییرات مکرر در شرکای تجاری:** انجام معاملات با شرکت‌های تازه‌تأسیس یا تغییرات مکرر در طرف‌های تجاری بدون توضیح منطقی یا مدل کسب‌وکار مشخص.
- **عدم تمایل به شفافیت:** امتناع مشتری از ارائه اطلاعات هویتی یا منشأ وجوه، یا ارائه اسناد ناقص، متناقض و غیرقابل اعتبارسنجی.

۲-۲. شاخص‌های مالی و پرداخت

- **پرداخت‌های نقدی بزرگ و مکرر:** انجام تراکنش‌های نقدی در مبالغ رُند و دقیقاً زیر آستانه‌های قانونی گزارش‌دهی (الگوی تجزیه مقادیر زیادی پول نقد به مقادیر کمتری).
- **استفاده از شخص ثالث:** پرداخت از طریق حساب‌ها یا افراد ثالثی که ارتباطی با طرفین معامله ندارند.
- **گردش مالی سریع:** افزایش ناگهانی و غیرقابل توجیه در حجم معاملات طلا توسط یک فرد یا نهاد، بدون پشتوانه مالی یا تجاری روشن.

۲-۳. شاخص‌های فیزیکی و لجستیکی

- **تغییرات فیزیکی در طلا:** تلاش برای تغییر ظاهر فیزیکی طلا از طریق ذوب، بازسازی یا تغییر بسته‌بندی به‌منظور پنهان‌سازی منشأ یا هویت کالا.
- **بی‌نظمی‌های جغرافیایی:** واردات یا صادرات طلا به/از کشورهایی که فاقد فعالیت استخراج طلا هستند، یا کشورهایی که در فهرست حوزه‌های قضایی پرخطر قرار دارند.
- **معاملات نامتناسب:** تفاوت‌های قابل توجه بین مقدار طلای معامله‌شده و توانایی مالی یا پروفایل تجاری طرفین معامله.

۲-۴- شاخص‌های مرتبط با پولشویی مبتنی بر تجارت

- **عدم تطابق گمرکی:** مغایرت یا دسته‌بندی اشتباه در وزن، خلوص یا ارزش طلا در اظهارنامه‌های گمرکی.
- **فاکتورهای غیرواقعی:** استفاده از فاکتورهایی که ارزش یا حجم کالا را به‌طور قابل توجهی «بیش از حد» یا «کمتر از حد» واقعی نشان می‌دهند.

۳. چالش‌های نظارتی بازار طلای ایران

۳-۱. مقاومت ساختاری: تقابل سنت و مدرنیته در پایش تراکنش‌ها

یکی از کلیدی‌ترین چالش‌های نظارتی در بازار طلای ایران، ریشه در ساختار سنتی و مویرگی این صنف دارد. بخش قابل‌توجهی از بدنه بازار طلا، همچنان بر پایه نظام «اعتمادمحور» و روش‌های ثبت دستی یا دفتری اداره می‌شود که قدمتی به بلندای تاریخ بازار دارد. این «فرهنگ گریز از ثبت»، لزوماً به معنای قصد مجرمانه نیست، اما فضایی خاکستری ایجاد می‌کند که بهترین بستر برای پولشویی است. عدم تمایل فعالان قدیمی به استفاده از سامانه‌هایی نظیر سامانه جامع تجارت یا سامانه مؤدیان، ناشی از هراس سنتی از شفافیت مالیاتی و برهم خوردن امنیت روانی معامله‌گران در مواجهه با نظارت‌های دولتی است. در چنین شرایطی، وقتی «ردپای دیجیتال» وجود نداشته باشد، تمایز میان یک معامله مشروع بنکداری با یک عملیات لایه‌گذاری پیچیده توسط شبکه‌های پولشویی، عملاً برای نهادهای ناظر غیرممکن می‌شود. این شکاف اطلاعاتی باعث شده است که حتی با وجود قوانین مترقی، بخش بزرگی از زنجیره تأمین طلا (از شمش تا مصنوع) در یک «جعبه سیاه» باقی بماند که تنها با فشار حداکثری حاکمیت داده‌ها قابل گشایش است.

۳-۲. درهم‌تنیدگی ریسک پولشویی با تقاضای احتیاطی در بستر نوسانات ارزی

دومین چالش که جنبه‌ای استراتژیک و فرابخشی دارد، نقش دوگانه طلا در اقتصاد کلان ایران است. به دلیل تضعیف مداوم ارزش پول ملی و نرخ تورم بالا، طلا در ایران از یک کالای سرمایه‌ای فراتر رفته و به‌عنوان یک «ارز جایگزین» و پناهگاه امن برای توده مردم عمل می‌کند. این موضوع، تشخیص جریانات مالی مشکوک را برای سیستم‌های پایش هوشمند بسیار دشوار کرده است؛ چرا که رفتار مالی یک خانوار معمولی که برای حفظ ارزش دارایی خود اقدام به خرید سنگین طلای آب‌شده یا مسکوکات می‌کند، به لحاظ الگویی شباهت زیادی به رفتار مجرمانی دارد که به دنبال تبدیل «نقدینگی کثیف» به دارایی‌های ثابت و نقدشونده هستند. در واقع، نوسانات شدید ارزی باعث شده است که «انباشت طلا» به یک هنجار عمومی تبدیل شود. این درهم‌تنیدگی تقاضای مشروعِ ناشی از انتظارات تورمی با تقاضای نامشروعِ ناشی از پولشویی، موجب می‌شود که هشدارهای سیستم‌های نظارتی با تعداد زیادی «مثبت کاذب» مواجه شده و در نتیجه، تمرکز نهادهای امنیتی و مالی بر روی هسته‌های اصلی جرایم سازمان‌یافته کاهش یابد.

۴. راه‌کارهای اجرایی برای نظارت هوشمند

برای مهار جریانات مالی غیرقانونی در بازار طلا، راه‌کارهای سنتی و بازرسی‌های فیزیکی دیگر کارآمد نیستند. رویکرد پیشنهادی، یک مدل نظارتی سه‌سطحی است که بر پایه داده‌محوری و همکاری‌های فرابخشی بنا شده است:

۴-۱. سطح بنگاه: خط مقدم مقابله با تطهیر وجوه

واحدهای صنفی و بنکداری‌ها باید از نقش «فروشنده صرف» به نقش «امین نظام مالی» تغییر وضعیت دهند.

- **پروتکل‌های تشخیص هویت مشتری:** الزامی شدن احراز هویت بیومتریک یا سیستمی برای تمامی خریداران در معاملات بالای سقف مقرر قانونی؛ این امر مانع از فعالیت «مشتریان نیابتی» یا استفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای می‌شود.
- **مستندسازی منشأ ثروت:** در معاملات کلان، واحد صنفی موظف به ثبت مستنداتی است که نشان‌دهنده قانونی بودن منشأ وجه (مانند گواهی فروش ملک، ارث یا سود سهام) باشد. ایجاد این «فرهنگ خودکنترلی» در بنگاه‌ها، هزینه پولشویی را برای مجرمان به‌شدت افزایش می‌دهد.

۴-۲. سطح نظارتی: ایجاد «زنجیره اعتماد» دیجیتال

نظارت هوشمند مستلزم آن است که طلا از نقطه ورود یا استخراج تا نقطه فروش به مصرف‌کننده نهایی، دارای یک شناسنامه دیجیتال غیرقابل خدشه باشد.

- **اتصال یکپارچه سامانه‌ای:** پیوند میان «سامانه جامع تجارت»، «سامانه مودیان» و «سامانه‌های گمرکی». این اتصال اجازه می‌دهد تا هر گرم طلای وارداتی یا تولیدی، در یک چرخه بسته ردیابی شود. هرگونه قطع شدن این زنجیره (مثلاً فروش طلا بدون ثبت در سامانه)، بلافاصله به‌عنوان یک هشدار ریسک قلمداد می‌شود.
- **رتبه‌بندی ریسک:** طراحی الگوریتم‌هایی که بر اساس حجم معاملات، دفعات تراکنش‌های مشکوک و موقعیت جغرافیایی، به هر واحد صنفی یک «امتیاز اعتباری» اختصاص دهند. نظارت‌های فیزیکی و بازرسی‌های دقیق باید تنها بر روی واحدهای با ریسک بالا متمرکز شود تا بازدهی سیستم نظارتی افزایش یابد.

۴-۳. سطح بین‌المللی: دیپلماسی پولی و اطلاعاتی

از آنجا که پولشویی در بازار طلا اغلب دارای ماهیت فرامرزی است، انزوای اطلاعاتی بزرگترین آسیب را به بدنه نظارتی وارد می‌کند.

- **تبادل اطلاعات با شرکای تجاری:** ایجاد کانال‌های ارتباطی امن با کشورهای کلیدی در زنجیره تأمین طلای منطقه (به‌ویژه امارات، ترکیه و هند). این همکاری شامل تطبیق آمار صادرات و واردات برای شناسایی «کم‌اظهاری» یا «بیش‌اظهاری» قیمت‌ها است.
- **استانداردسازی بازرسی‌های مرزی:** استفاده از فناوری‌های نوین نظیر اسکنرهای اشعه ایکس پیشرفته و ردیاب‌های شیمیایی در مبادی ورودی و خروجی برای شناسایی جابه‌جایی‌های غیرقانونی طلا که اغلب در قالب کالاهای دیگر یا با آلیاژهای فریبنده قاچاق می‌شوند.

نتیجه‌گیری و افق‌های پیش‌رو: گذار از نظارت سنتی به حکمرانی داده‌محور

تحلیل جامع گونه‌شناسی پولشویی در بازار طلا نشان می‌دهد که این فلز گرانبها دیگر صرفاً یک کالای زینتی یا ابزار سرمایه‌گذاری خرد نیست، بلکه به‌عنوان یک «ارز موازی و هویت‌گریز» در دستان شبکه‌های مجرمانه عمل می‌کند. یافته‌های این پژوهش

تایید می‌کند که هرگونه خلاء قانونی یا نقص در پایش زنجیره ارزش طلا، مستقیماً به تضعیف امنیت ملی و خروج سرمایه‌های کلان از چرخه اقتصاد رسمی منجر می‌شود.

۱. لزوم بازنگری در مدل‌های سنتی بازرسی

نتیجه نهایی این واکاوی حاکی از آن است که رویکردهای سنتی مبتنی بر بازرسی‌های فیزیکی و نظارت‌های پسینی در برابر پیچیدگی‌های روش‌های نوینی همچون «پولشویی مبتنی بر تجارت» و «توکن‌سازی طلا»، کارایی خود را از دست داده‌اند. نظام نظارتی کشور باید از مرحله «شناسایی جرم پس از وقوع» به سمت «پیش‌بینی ریسک بر اساس الگوهای رفتاری» حرکت کند. این امر تنها با استقرار کامل سامانه جامع تجارت و الزام تمامی حلقه‌های زنجیره (از معدن و واردات تا خرده‌فروشی) به ثبت دقیق اطلاعات میسر خواهد بود.

۲. طلا به مثابه ضربه‌گیر تورمی یا ابزار تطهیر؟

یکی از نتایج کلیدی این نوشتار، ضرورت تفکیک میان «تقاضای احتیاطی عامه مردم» و «جریانات مالی سازمان‌یافته» است. سیاست‌گذار باید با درک واقعیت‌های اقتصادی ایران، بسترهایی را فراهم کند که سرمایه‌گذاران خرد بتوانند در محیطی شفاف (مانند گواهی سپرده طلا در بورس کالا) فعالیت کنند. این اقدام باعث می‌شود حجم معاملات فیزیکی و نقدی که مستعد آلودگی به پولشویی هستند کاهش یافته و «سیگنال‌های واقعی جرم» در میان انبوه معاملات خرد، بهتر دیده شوند.

۳. پیوند امنیت اقتصادی و شفافیت صنفی

در نهایت، مبارزه با پولشویی در این بازار نباید به‌عنوان یک تقابل میان دولت و صنف طلا نگریسته شود. نتیجه منطقی شفافیت، صیانت از اعتبار فعالان قانونی و شناسنامه‌دار بازار در برابر رقبای غیرقانونی و مفسد است. تقویت دیپلماسی اقتصادی با کشورهای همسایه و همسوسازی استانداردهای داخلی با الزامات بین‌المللی (مانند راهنماهای «گروه ویژه اقدام مالی» و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در مورد زنجیره تأمین مسئولانه طلا)، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای بقای سیستم مالی در عرصه جهانی است.

اصطلاحات:

- گروه ویژه اقدام مالی = FATF
- بیش از حد = Over-Invoicing
- پروتکل‌های تشخیص هویت مشتری = Know Your Customer
- پسینی = Ex-post
- ردپای دیجیتال = Digital Trail
- سطح نظارتی = Traceability
- سقف مقرر قانونی = Thershold
- علائم خطر = Red Flags
- کمتر از حد = Under-Invoicing
- الگوی تجزیه مقادیر زیادی پول نقد به مقادیر کمتری = Smurfing
- مثبت کاذب = False Positives
- مرحله جایگذاری = Placement
- مرحله لایه‌گذاری = Layering
- مستندسازی منشأ ثروت = Source of Wealth
- سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی = OECD